



«چيستان-واجي»

واجي به گویش بستکي

تېل گټ خټ کيتا، ډنډرخ آمو عيسی (Tapal gote jomo kita, dotzadkho amo isa) ؟ بادمجان اِشتر ما اِنگ خټ، لِنگ و لُيش اِنگ کټ (Oshotre ma enge khato, leng o lapash ongo kato) ؟ خربزه يا هندوانه

دوڼي پُر خوڼی (Dunay pore khunay) ؟ چراغ روشن

زرد زرد زعفرُون تير ازند چُن کافورون (Zarde zarde zaferon, tir azend chon kaferon) ؟ زنبور زرد پلن مِثل پلن، سبزَن شوْا نه لک ډزن (Tolen motoltolen, sizan shova na lak dozen) ؟ جوجه تیغی

واجي به گویش بندري

ی مارن، ی کاهن، سی وسه بچّه دارن (Ya maren, ya gahen, si o seh bacha daren) ؟ دهان اِچن، اِډورتا نا جک جِکِن، نزدیک اِتا دل تَرکِن (O chen, a door ata na jak jaken, nazdik ata) ؟ گنجشک (del teraken)

سُوژاڼډ رفت، زرداڼد و رفت، سیاه اڼد و نِشت (Sowz ond o raft, zard ond o raft, siah ond o nesht) ؟ خرما

اِچن تا آسمون گریک نِکِند خِرسی زوون نابوت (O chen ta asamoon gerik nakond kharsi) ؟ ناودان (ravoon naboot)

دو پایي ش ای مُرگ نِن، دو شاخی ش ای گاه نِن، راه اړيد جاندار نِن (Do pae sha ee morg) ؟ دوچرخه (nan, do shakhi sha ee gah nan, rah arid jandar nan)

جدول کودکان

((شرح افقي))

۱-نام سفره نوروزی - اسباب بازی دختر بچه ها - آوای گوسفند ۲- طبیعی ومعمولی - آنکه مایوس نیست ودلس به آینده گرم است ۳- راه وروش - میوه ای مرکب که زیاد ترش است ۴- هنوز مرشد نشده - طرف فلزی بسیار بزرگی در حمام وبه معنی یک انگلیسی ۵- صدا وآواز کردن - حیوانی زیبا ومظلوم با چشمانی درشت ۶- یکی از ماههای سرد سال - نوعی فلز قرمز رنگ وصنعتی - اثر رطوبت - پرنده ای کوچک که برخی اوقات در پسوند کلمات می آید ۷- از رنگهای زیبا وتقريبا روشن - در سرفره هفت سین بجویید - جدید وتازه ۸- به کودک یا کسی که شیطنت کند ودر کار دیگران دخالت کند گفته می شود - پایتخت کشور لهستان ۹- نام دیگر سیمرغ - دوستداره ۱۰- مهمترین شهر امارات متحد عربی - میوه ای در سفره نوروزی - موی گردن شیر ۱۱- گشوده شده - سودای ناله - تاقچه بالا - امر به زاییدن ۱۲- از القاب حضرت فاطمه ((س)) - پرستوی قرآنی ۱۳- ماه پس از ماه مهر - خلاف ظاهر ۱۴- مقررات کشوراست وباید به آن احترام گذاشت - خزنده گزنده ۱۵- ظالم وجفا کننده - آخرین روز تعطیلی نوروز که روز طبیعت است

((شرح عمودی))

۱- صاحب هنر- در اثر برخورد ابرها در آسمان به یکدیگر بوجود می آید ۲- اولین ماه فصل بهار - گیاه و رستنی - حرف نوزدهم الفبای انگلیسی ۳- دیدن و نگاه کردن به چیزی - برعکس عمودی - اتمبیل باری کوچک ۴- برابر با دوازده مال - نام ولقب هشتم - دفتر نگهداری عکس ۵- پهلوان - این هم سر سفره نوروزی پیدا کنید - میوه خوب مربایی - به معنی زنبور عسل است ۶- نام دیگر شناسنامه که در قدیم می گفتند - سنگریزه ۸- عموی عربی - ساز چوپان - اتاق درس دانش آموز در مدرسه ۹- شهری نزدیک تهران که به شهر شاه عبدالعظیم معروف است ۱۰- دوستی ومحبت - رشد وبالندگی - بدون آن زندگی امکان ندارد ۱۱- آب ترکی - خرما فروش - با کره در سر سفره صبحانه خورده می شود ۱۲- میوه نرسیده - جزیره بزرگ هرمزگان - همسر گرامی حضرت علی ((ع)) ۱۳- گیاه خورشتی - پیام الهی - شهری در استان آذربایجان شرقی ۱۴- این هم شهری در استان کرمان - سرگرمی عمومی کودکان - رفوزه شده ۱۵- عنوانی دوست داشتنی که یکی از نمادهای نوروزی است - گل شهدا

جدول نوجوانان

((شرح افقی))

۱-از بناهای قدیمی در بندرعباس - لغزنده ۲- ناپدری - دعای زیر لب - شهری در استان آذربایجان غربی ۳- زن فریبنده - وزیر هارون الرشید ۴- به معنی دلآوری وشعر رزمی - رفوزه - نشان دادن ۵- راننده درشکه - بعید ویا فاصله ۶- شیمی کربن - تکنولوژی پیشرفته - وحدت با املاى غلط ۷- دفاع فوتبالی - قایق مسابقه ای - تبار وطایفه ۸- هدف والا - شهر خوردنی سوریه - برکت سفره ۹- عدد عندلیب - گوسفند ماده - بنده وشما ۱۰- انس والفت - دزدی اداری وبالا کشیدن پول ۱۱- ضمیر سوم شخص مفرد ۱۲- نگهبان دشت - نیا ویدربزرگ - میوه وثمره درخت ۱۳- کتابی از ماکسیم گورکی نویسنده روسی ۱۴- نت سوم موسیقی - زیاد وبدون حد ومرز - آش زیره ۱۵- تلسکوپ فضایی - نیمکت مبلی - گروه اسبان

((شرح عمودی))

۱-در مثل جواب ندارد - جریده ۲- فیلمی به کارگردانی کمال تبریزی وبازی پرویز پرستویی - نژاد ایرانی ۳- عملی در کشاورزی - علم پزشکی ۴- چسب درهم - آب شرعی - باران تند وشدید ۵- تصدیق رانندگی - حرف خطاب به پروردگار ۶- از اقوام غیور ایرانی - نسیم خنک شبانه - نوعی از زغال سنگ ۷- بانگ شتروکبوتر - خدای ماه سومریان کهن - علامت مفعولی ۸- مجازات شرعی - قورباغه درختی - کارکرد وبازدهی ۹- بی سواد - رمق آخره ۱۰- شاعر مسافر- غیر حرفه ای ۱۱- عاقبت کار جوینده - توسری خور چکش - چله کمان ۱۲- مثلث اعجاب انگیز اقیانوس اطلس - عجله وتندی در کار ۱۳- شاعر ونویسنده فرانسوی صاحب اثر دریاچه - ماست چکیده - چهره شطرنجی ۱۴- اسباب اضافه در اتموبیل - شتربی کوهان - حرف نداری ۱۵- به رنگ سبز تیره - ملی ومردمی

«گپ شو-گویش بستکی»

قصه پادشاه وسه دروغ معتبر به گویش بستکی

♦صبح ساحل //

اِگي ت دِهي پادشاهي بُد. پادشاه ت قصّـش اِدايِد. وزيرش اِطِـلِب و شيگي: «اي وزير، خيلي بي حوصلِم. فكري بَک.» وزير شيگي: «يک مسابقی هِنِس.» پادشاه اگي: «مَ خ سِر مِچي مسابقه اِم تِد، دِگ چي نوا مُنخسته که مسابقه هِنِس.» وزير شيگي: «فقط دِپَت و اُمَنخس.» پادشاه اگي چه مسابقه هِنِسيم؟» وزير جواب اِډد: «بگي هر ک سه دريغ معتبر بگي، دِپَم مَر خُش اِ بي.» پادشاه اگي: «خوبن.» مِجا جارا کِشَن که هر که شي ت مسابقه شرکت بکن، بات شرکت بکن. اِگي همه هِنِدِن وسه دريغ چوئِشَن شِن گِـت و رفتِن. شخصي که کچل شِن اِگت هم شرکت اِکِن. کچل دير هِنَد. پادشاه اِشِگت: «چرا دير هِنِسش؟» کچل اِشِگت: «مَ ل جاده وِي سيدم تا يک گِلي اِشتر از ت سِيزَن رَـي.» همه شِن گِـت: «دريغن.»

او مي خواهد فکری کند. وزير مي گويد که مسابقه اي برگزار کند. پادشاه پاسخ مي دهد که تا به امروز مسابقه هاي زيادي برگزار کرده است و مسابقه اي نمانده. وزير پاسخ مي دهد که دخرت ازدواج نکرده است. پادشاه مي پرسد چه مسابقه اي برگزار کنم؟ وزير مي گويد اعلام کن هر کسي که سه دروغ معتبر بگويد مي تواند بادخترم ازدواج کند. پادشاه مي پذيرد. همه جا اعلام مي شود که هر کسي مي خواهد، مي تواند در مسابقه شرکت کند. همه آمدند و سه دروغ معتبر گفتند و رفتند. شخصي که به او کچل مي گفتند نيز در مسابقه شرکت کرد. او با تاخير به قصر رفت. پادشاه از او پرسيد که چرا دير کرده اي؟ او پاسخ داد که در کنار جاده منتظر بودم تا گله اي شتر از سوراخ سوزن عبور کند. همه گفتند که دروغ مي گويي.

رُز دوم باز هم کچل دير هِنَد. پادشاه اِشِگت: «رُز چرا دير هِنِسش؟» کچل اِش گِـت: «وقتي مَ هندونه تکه اِم ک، اِم دِي ت هندونه جنگ هِن، صبر اِم کِ تموم وابي.» همه شِن گِـت:

اگر یک دروغ دیگر بگوید همسر دخترم می شود. به دیگران گفت کچل هر چه گفت بگوئید که راست است. وزير و دیگران نيز موافقت کردند. از سوي ديگر کچل نيز با خود فکر کرد که پادشاه به راحتی دخترش را به من نمی دهد بايد فکری بکنم. روز بعد دير رفت. پادشاه پرسيد امروز چه ديده اي که دير آمده اي؟ کچل پاسخ داد که خواب مانده ام. خواب ديدم که پدرم در خواب گفت که فردا پادشاه تاج و لباس پادشاهي اش را به تو مي دهد. حاضرين جواب دادند راست است. پادشاه عصباني شد و گفت چه راست است؟ پادشاهي ام را برد! وزير پاسخ داد اگر راست است پادشاهي ات و اگر دروغ است دخرت را با خودش مي برد. پادشاه گفت دخترم را به عقدش در ميآورم. به همين آساني کچل توانست با دختر پادشاه ازدواج کند.

توضیحات:

برای حل کردن این سودوکو کافيست اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه های خالی قرار دهيد که در هر سطر هريستون وهرمربع کوچک ۳×۳ عددي تکراری نباشيد در خاتمه پس از انجام کار از آن عکس گرفته توسط واتس آپ به شماره ۰۹۳۷۶۰۸۷۵۳۱ ارسال وسه ماه اشتراک رایگان جايزه بگيريد نام ونام خانوادگي ذکر شود.



صبح ساحل

شنبه ۲۴ اسفند ۱۹۸۰سال سی و پنجم| شماره ۴۰۰۴

Email : Info.Sobhesahel@Gmail.Com

در به در به دنبال «نهنگ خلیج فارس»

♦صبح ساحل //

واما موضوع بعدی(ببخشید قبلی) اعدام «تمساح خلیج فارس» بود. حالا بماند که خلیج فارس تمساح دارد یا نه!^۱ که به نمونه ای از طنز روزنامه ای اشاره می کنیم.

این طنز نیز اثر خالوارشد یعنی به قلم مبارک خودمان است:

«سرکرده باند بین المللی موادمخدر معروف به «تمساح خلیج فارس» و یکی از شرکای او در بندرعباس اعدام شدند. خبرگزاری های ایران ازاین دو نفر به نام اختصاری (ع- ز) و (م- ح) نام برده اند. به گفته ی رئیس کل دادگستری هرمزگان، این فرد که سی وشش ساله بوده، به تمساح خلیج فارس معروف شده است و هنگامی دستگیر شده که «در حال هدایت برای قاچاق بیش از ۱۰۰ تن مواد مخدر به آب های آزاد» بوده است. و اما خبرگزاری «خالوپرس» به نقل از یک مقام ناآگاه اعلام کرد: (پس از اعدام این دو قاچاقچی مشهور، کلیه ی نیروهای نظامی، انتظامی، دریایی، زمینی و هوایی کشور به صورت شبانه روز در تلاش هستند که بتوانند پس از تمساح خلیج فارس، ان شالله «کوسه جنوب» و «نهنگ خلیج فارس» را نیز دستگیر کرده و به سزای اعمالش برسانند. این گزارش حاکیست آقای «رام الف» مشهور به راشدانصاری، چهل و هشت ساله مدت هاست با نام های مستعار «کوسه جنوب»، «فیل عینکی» و اخیرا نیز با نام «نهنگ خلیج فارس»، مشغول نوشتن طنز در رسانه های استان و کشور است. به گزارش شاهدان عینی، نامبرده از دوران کودکی تا به امروز در زمینه ی قاچاق خِند و شادی به این طرف و آن طرف فعال است. وی همچنین تاکنون موفق به انتشار ۱۶ عنوان کتاب در زمینه شعر، نثر و داستان طنز شده است . با این که بیش از ۲۷ سال از فعالیت خستگی ناپذیرش می گذرد اما تاکنون به هیچ عنوان دم به تله نداده و حتی یک بار نیز دستگیر و اعدام نشده است». خبرگزاری «ایثار کله تاس» اعلام کرد: «بسیار عجیب است که چنین شخصی هم اکنون آزادانه در سطح استان و کشور در حال گشت زدن، نفس کشیدن و زندگی کردن است. حتی گزارش شده است وی برخی مواقع برای خودش در کوچه و خیابان و محله بی خیال قدم می زند و دلی دلی می خواند! گفتنی است آخرین بار ردیای نامبرده در حوالی دفتر روزنامه ی «ندای هرمزگان» مشاهده شده است. تعدادی از مسئولان دستگاه های اجرایی و غیر اجرایی استان و کشور با نوشتن طوماری خواهان دستگیری هر چه زودتر این طنزپرداز شدند. در بخشی از این طومار آمده است: «باور بفرمایید ما مدیران کشوری و استانی و حتی دهستانی و روستایی سال هاست که از نیش قلم این نویسنده و شاعر در امان نیستیم. دستمان هم به جایی بند نیست. کسی به دادمان نمی رسد. طی سال های گذشته چه انتقادهایی که از ما مسئولان و مدیران محترم فعلی، سابق و اسبق و بسیار اسبق تر از ماها که نکرده است. و از کجا معلوم که در آینده نیز نکند(شوخی وانتقاد را عرض کردیم!). تاکنون چه شوخی های خرکی که با افراد متشخصی همچون ما بندگان مظلوم خدا نکرده است. الهی خیر از جوانی و میان سالی و حتی کهنسالی اش نبیند. چز جگر بگیرد ان شالله!». در بخش دیگری از این طومار آمده است: «به ایشان چه مربوط است که ما چکار می کنیم. طی این سال ها همواره به دنبال نقطه ضعف مان بوده است. به نامبرده ربطی ندارد که آیا ما به وظایف مان عمل می کنیم یا نه. کار ارباب رجوع را راه می اندازیم یا نه. بستگان خودمان را استخدام می کنیم. پارتی بازی می کنیم. برخی از ماها اختلاس می کنیم. پشت میزمان چرت می زنیم. جدول حل می کنیم. جلسه ای نداریم اما به رئیس دفترمان می گوئیم به ارباب رجوع بگوئید جلسه ایم یا مثلا رفته ایم نماز بخوانیم. به ایشان ربطی ندارد که راننده ی خصوصی ما با ماشین اداره فرزندان مان را به مدارس و کلاس های ارگ و می رساند. و هزاران موارد دیگر که مثنوی هزار من کاغذ خواهد شد و ما انجام می دهیم و متأسفانه این جا نمی توان عنوان کرد، اما بلافاصله این آقای طنزپرداز یا به صورت شعر طنز یا نثر طنز یا داستانتک طنز یا هر کوفت و زهرماری در رسانه های نوشتاری و اخیرا نیز در فضای مجازی می نویسد و با آبروی اشخاص مومن و شریفی مثل ما بازی می کند....(آخ نفس مان بند آمد!) در پایان ضمن تقاضای دستگیری هر چه سریع تر نامبرده، برای نخستین بار مدرک معتبری را ارایه می کنیم؛ اگر چه شاید این رباعی بسیار قدیمی باشد ولی به هر حال به یکی از مدیران مومن و مسلمان و خیلی محترم در یکی از نقاط میهن پهناورمان توهین شده است. جالب است که از بین این همه مدیر و مسئول شریف و لایق و لاغر! شاید تعدادی مدیر چاق و تپل هم وجود داشته باشد، به ایشان چه مربوط که این موضوع را در بوق و کرنا بکند و آن جا که می گوید: «این بچه ی مردنی تپل خواهد شد/ گاوش نخورد شبیه گل خواهد شد/ در ظاهر اگر چه خنگ و بی خاصیت است / من مطمئنم مدیر کل خواهد شد!»

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته».

خب، خوانندگان عزیز، دیدید که بررسی تاریخ به زبان طنز چقدر بامزه است. یعنی ضمن این که ما از وقایع و حوادث به لحاظ تاریخی مطلع می شویم، طنز لبخندی نیز به لب مان می نشاند.

جدول سودوکو شماره ۱

			۷	۹		۶		۴
۷		۳						۱
۴	۸		۶			۷	۳	
				۱			۴	
۲		۴	۵	۸	۹	۳		۷
	۳		۴		۱			
۳	۶		۷			۱		۸
	۹				۲	۷		
۸		۷		۲		۶		

جدول سودوکو شماره ۲

					۷	۹		۳
								۶
			۸	۷	۱			
		۳		۷			۲	
			۱		۴		۹	
	۳					۶		
۷		۴		۵	۶			
	۷		۶		۳		۵	
۳	۹	۵	۴			۱		
				۵	۳		۹	